

تأملی در کتاب اسناد پادریان کرملی، بازمانده از عصر شاه عباس صفوی

• نصرالله پور محمدی املشی

که عنوان نسخه اصلی منشآت عصر صفوی است و شامل صد و شصت و دو نامه است. نامه‌هایی که یا توسط پاپ و پادشاهان اروپا ارسال شده و یا فرامین و نامه‌هایی است که از طرف شاه عباس در جواب آن‌ها نوشته شده است.

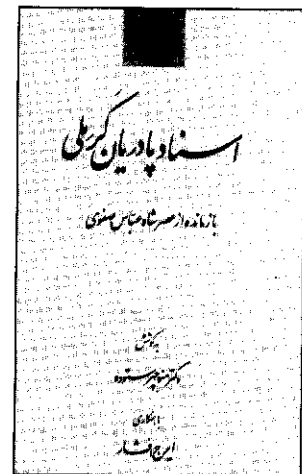
در قسمت دوم استاد ایرج افشار درباره چگونگی تهیه میکروفیلم این نسخه خطی و دیگر اسناد مرتبط با موضوع توضیحات سودمندی ارائه کرده است. او درباره اهمیت کتاب می‌نویسد: «اهمیت این کتاب مشخص است. زیرا اگر این مدارک دستیاب نشده بود، حتی از راه سفرنامه‌های اروپاییان هم ممکن نبود که نسبت به این روابط میان صفویان و مسیحیان تا این اندازه به جزئیات دسترسی بیابیم.»

هم‌چنین آقای افشار در یک نگاه اجمالی به سابقه پژوهش و انتشار اسناد درباره فعالیت پادریان کرملی در ایران پرداخته است.

مصحح در مقدمه نکات برجسته نامه‌ها را ذکر کرده است تا از این طریق انگیزه پادریان کرملی و پادشاه اسپانیا و نیز سیاست‌گذاری شاه عباس در مقابله با مقاصد اروپایی‌ها را نشان دهد. اما به نظر می‌رسد توضیحات دکتر ستوده در بعضی موارد جای تأمل دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• مصحح کوشیده است با بیان مطالبی از نامه‌ها نشان دهد که از جمله اهداف اروپایی‌ها تغییر مسیر تجارت ابریشم از قلمروی عثمانی برای ضربه زدن به اقتصاد تجاری آن امپراتوری بوده است. وی در ادامه چنین توضیح داده است: «و از بندر هرمز از راه دریای سرخ به اروپا می‌رسانند تا از بابت ترانزیت نفعی به ترکان نرسد.»

اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در سال ۱۵۱۷/۹۲۳، سپاه سلطان سلیم پس از شکست سپاه ممالیک وارد قاهره شد و از آن زمان به بعد مصر و شام ضمیمه خاک عثمانی گشت. در سال ۹۶۲ نیز عثمانی بر یمن تسلط یافت و آن جا به پایگاهی نظامی برای دفاع از



■ اسناد پادریان کرملی
■ به کوشش: دکتر منوچهر ستوده
■ با همکاری: ایرج افشار
■ ناشر: نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳، ۳۲۸ ص

کتاب اسناد پادریان کرملی به کوشش محقق ارجمند دکتر منوچهر ستوده و با همکاری استاد ایرج افشار توسط نشر میراث مکتوب به زیور طبع آراسته شده است. در آغاز کتاب مقدمه مصحح و یادداشت استاد افشار قرار دارد. در قسمت پیوست نیز علاوه بر تصویر صفحه اول و آخر متن، دو پیوست وجود دارد، یکی «فهرست مجموعه‌ای که آنجلو پییه مونتسه به ایتالیایی نوشته» و دیگری «چند سند چاپ نشده درباره امتیازهایی که شاهان صفوی برای مبلغان کاتولیک قائل شدند، نوشته فرانسوی ریشارد»
این کتاب از روی جلد سوم نسخه خطی شماره ۴۸۳۶ موجود در دانشگاه تهران بازنویسی شده است. مصحح در مقدمه آورده است

دریای سرخ تبدیل گردید، به طوری که فقط کشتی‌های مسلمانان می‌توانستند در دریای سرخ رفت و آمد داشته باشند.^۱ بنابراین اگر اروپایی‌ها خواستار تغییر مسیر ابریشم بودند باید ابریشم را از طریق بندر هرمز و راه آبی جنوب آفریقا به اروپا صادر می‌کردند، نه از طریق دریای سرخ. زیرا در این حالت نیز باید به حکام عثمانی حق ترانزیت می‌پرداختند.

• در مقدمه، در توضیح «ریم پاپا» آورده است: «پیر و مرشد پادریان». در حقیقت چنین توضیحی بر مبنای میدان معنایی فرهنگ ایرانی و در حوزه دین اسلام ارائه شده است، نه در قلمرو فرهنگ مسیحیت. در حالی که به عقیده روانشاد دکتر عبدالحسین نوایی، پاپا همان پاپ و ریم تلفظ ترکی معمول زمان از رم پایتخت ایتالیای فعلی و مقر پاپ‌ها است.^۲

هم چنین مصحح محترم با استفاده از متن نامه‌ها توضیحاتی درباره خط و زبان نامه‌ها و چگونگی بیان آن‌ها در دربار ایران ارائه کرده که در فهم آن‌ها مؤثر است.

با اغماض از مشکلات فوق، می‌توان گفت این کتاب از جهات گوناگون برای پژوهشگران و خوانندگان تاریخ ایران مفید است، زیرا اطلاعاتی درباره تاریخ ایران عصر صفویه ارائه می‌دهد که در تواریخ فارسی و حتی سفرنامه نمی‌توان به آن‌ها دست یافت. بنابراین این اطلاعات می‌تواند الهام‌بخش بسیاری از تحقیقات جدید و مکمل تحقیقات پیشین باشد. برجسته‌ترین مطالب کتاب به فرار زیر است:

معرفی پادریان و روش و منش زندگی آن‌ها برای اطلاع دربار ایران

نامه دوم که از طرف کلمنت هشتم ارسال شده است، پادریان را برای دربار معرفی می‌کند. در این نامه به طور اجمال درباره روش زندگی، طریقه غذا خوردن، لباس پوشیدن و اموال و دارایی پادریان اطلاعاتی به دربار و پادشاه ایران ارائه شده است تا درباریان به پادریان به دیده حقارت نگاه نکنند. در بخشی از نامه در توضیح نام این گروه آمده است: «از مال دنیایی به روش امر ایشان گذرانیدن در جماعت ایشان به اسم مال خاصه ندارند و رزق هر روزی به چیز دیگر از باب خرجی کلیسا به غیر که ضرورست از کرم و وقف خرج می‌نمایند و پابرهنه به نعلین داشتن رسولان حضرت عیسی (ع) صاحب ما می‌گردند و از این سبب پابرهنه خوانده می‌شوند.» (ص ۳۲)

به نظر می‌رسد که پادریان با یک هدف برنامه‌ریزی شده و با حمایت چندین کشور اروپایی به ایران آمده و توصیه نامه چند پادشاه و مقامات مذهبی اروپا را به همراه داشته‌اند. نامه‌های سوم تا نهم علاوه بر دعوت ایران به جنگ با عثمانی، نوعی معرفی پادریان و حمایت از سفارت مذهبی و سیاسی آن‌ها نیز محسوب می‌شود.

دعوت ایران به جنگ با عثمانی

بیشتر نامه‌هایی که از کشورهای اروپایی به دربار ایران و یا از ایران به دربار پادشاهان اروپا و پاپ فرستاده شده است، در واقع نوعی درخواست جنگ مشترک و هم‌زمان ایران و اروپا علیه عثمانی است. البته با توجه به تاریخ و محتوای نامه‌ها، سفارت اروپایی‌ها به

ایران زمانی رونق بیشتری یافته است که شاه عباس با ابتکار عمل و تحرکات نظامی به موقع، تبریز را از اشغال عثمانی خارج ساخته و شهرت نظامی او عالم‌گیر شده است. برای نمونه در نامه هفتم آمده است: «چون آوازه بزرگی و جهانگیری و رفعت و عدالت نواب بر جمیع الکه فرنگیه انتشار یافته بود این جانب را این مقدار دوستی و محبت به هم رسید که ذوق آن شد که به پایه سر بر اعلام مشرف شود.»

(ص ۳۷، هم چنین رک: ص ۳۳)

در نامه‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم شاه عباس ضمن اعلام آمادگی برای حمله به عثمانی، از اروپایی‌ها می‌خواهد که برای غافلگیر کردن عثمانی‌ها هم‌زمان از دو جهت به آن‌ها حمله برند. (صص ۴۷ - ۴۵)

در نامه سی و دوم شاه عباس در صدد است که اروپایی‌ها را به جنگ با عثمانی ترغیب نماید. در این نامه که در سال ۱۰۱۹ نوشته شده آمده است: «اما توقع چنان است که عالی جناب در دفع جماعت تقصیر نمایند. چرا که از هر دو طرف با روم محاربه نمودن بسیار فایده می‌بخشد و از هر راه که داند که صرف در آن است و دشمن را پامال تواند کرد روانه شوند.» (ص ۷۷)

ایران علاوه بر اعلام آمادگی برای حمله مشترک با عثمانی، تقاضای ارسال متخصصان و نظامیان آشنا به فنون جنگ از دول اروپایی را دارد. (ص ۴۳)

شاه عباس این سیاست را تا زمانی که با عثمانی در حال جنگ بود ادامه داد، اما هنگامی که با عثمانی روش تسامح را در پیش گرفت، عدم همکاری با اروپایی‌ها را دلیلی بر سیاست واقع بینانه خود مطرح کرد.

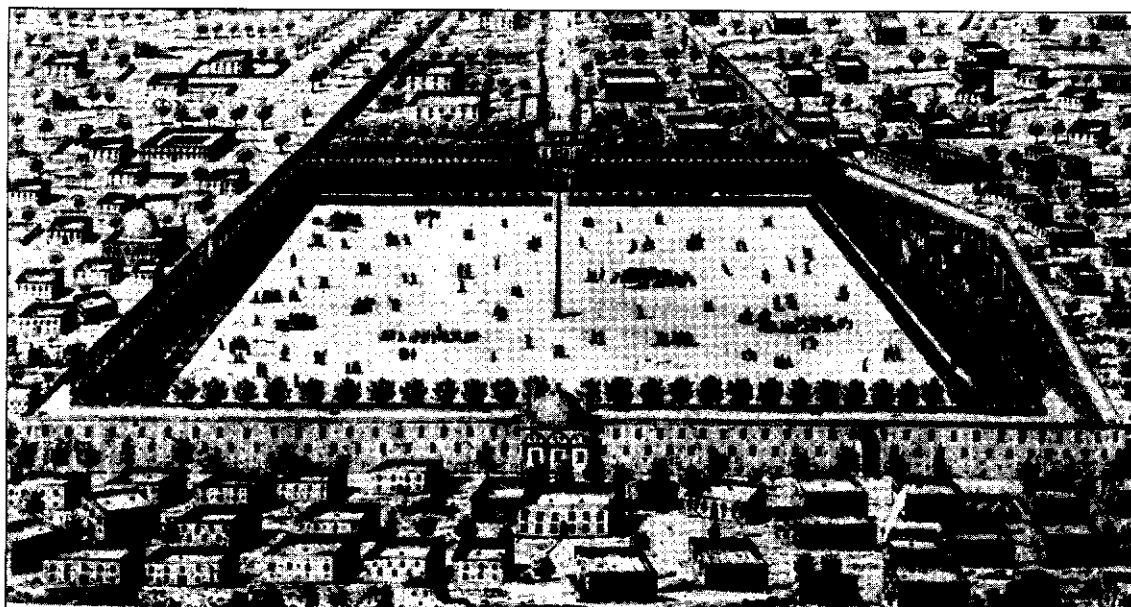
آگاهی از نقش «پادری جوان» در سیاست خارجی عصر شاه عباس شناخت شخصیت‌هایی که در روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی نقش مهمی ایفا کرده‌اند، روشن شدن گوشه‌ای از تاریخ این مرز و بوم را در بر دارد. از جمله این افراد پادری جوان است که اغلب نقش نمایندگی پادشاهان فرنگ، به ویژه اسپانیا را در اصفهان بر عهده داشت. پادری در ابتدا تقاضای ایجاد کنسولی در ایران را از شاه عباس داشت و ضرورت ایجاد آن را چنین آورده است:

«دیگر به عرض می‌رساند که در اصفهان هر طایفه و مردمی که هستند حاکمی از خود دارند و این فقیر را کاری و مهمی که پیش آید به خدمت وزیر می‌رویم جواب می‌گوید که شما مهمانید ما را کاری نیست. در پیش داروغه می‌رویم جواب می‌گوید که ما ترک دنیا نموده ایم. التماس چنان است که هم چنان که در حلب جماعت فرنگیان قنصول دارند به معنی حاکم، نواب شفقت کند که فقیر شخصی را معین نمایم از مردم خود که به معاملات برسد یا آن که بر حضرت ریم پاپا عرض نمایم تا شخص بزرگ نیکوکار را به واسطه ما روانه درگاه نماید» (ص ۱۱۸)

اما شاه عباس به این درخواست پادری جواب مشخصی نداده است. بنابراین پادری به ناچار هم نقش مذهبی را دنبال می‌کرد و هم به امور سیاسی می‌پرداخت. با دقت در عناوین نامه‌ها، می‌توان به اهمیت فعالیت پادری جوان در مناسبات شاه عباس با پادشاهان

در نامه دوم به طور اجمال درباره روش زندگی، طریقه غذا خوردن، لباس پوشیدن و اموال و دارایی پادریان اطلاعاتی به دربار و پادشاه ایران ارائه شده است تا درباریان به دیده حقارت نگاه نکنند

► میدان نقش جهان اصفهان،
نقاشی از دوره صفوی



بیشتر نامه‌هایی که از
کشورهای اروپایی به
دربار ایران و یا از ایران
به دربار پادشاهان
اروپایی و پاپ فرستاده
شده است، در واقع
نوعی درخواست جنگ
مشترک و هم‌زمان ایران
و اروپایی علیه عثمانی
است

تغافل نیست و به زودی جواب اعلام گرداند.»
(ص ۱۵۷)

مسیرهای تجاری و تجارت ابریشم:
شاه عباس در اواخر قرن شانزدهم و اوایل
قرن هفدهم بر مسند حکومت ایران تکیه
داشت. سال‌های نخست حکومت شاه عباس
صرف نظام بخشیدن به مشکلات داخلی شد.
از سال ۱۳۱۲ ه. ق. در جهت بازپس‌گیری
سرزمین‌های از دست‌رفته شمال غرب کوشش
نمود. پیروزی شاه ایران در جنگ با عثمانی و
تصرف مناطق شمال غربی ایران، سبب توجه
بیشتر دول اروپایی به حکومت ایران شد. بنابراین اروپایی‌ها به
جنگ‌های ایران و عثمانی بیشتر دامن می‌زدند تا از فشارهای
عثمانی بر اروپا کاسته شود. از طرف دیگر، از ابتدای قرن هفدهم
میلادی فعالیت‌های اقتصادی کشورهای اروپایی در مشرق زمین
بیشتر در شکل شرکت‌های تجاری صورت می‌گرفت. شرکت هند
شرقی هلند در سال ۱۶۰۲ / ۱۰۱۱ و شرکت هند شرقی انگلیس در سال
۱۶۰۲ / ۱۰۲۱.

با توجه به درخواست‌های کشورهای اروپایی در نامه‌های خود،
پادشاه ایران دریافته بود که موضوع تجارت و مسیر صدور کالا
می‌تواند نقش اساسی در رشد اقتصادی و روابط خارجی کشورها ایفا
کند. اما سیاست تجاری شاه عباس نیز همانند سیاست خارجی او بر
مبنای منطقی موقعیت انعطاف‌پذیر بود. به گونه‌ای که نامه‌های
موجود هم این گفته را تأیید می‌کنند. یعنی زمانی که شاه عباس در
تلاش است عثمانی را در تنگنا قرار دهد، سعی دارد مسیر تجاری را از
قلمروی عثمانی به طرف شمال و مسیر دریایی جنوب آفریقا سوق
دهد، ولی هنگامی که با عثمانی به توافق رسیده است، با قدرت در

گزارش کتاب درباره نشست
شاه عباس با پادریان و گروهی
انگلیسی دارای اهمیت زیادی
است. بر طبق گزارش این
نشست، شاه عباس به جنگ با
عثمانی علاقه ندارد و با
ذکاوت می‌کوشد گفت‌وگو را از
مسائل سیاسی به مسائل دینی
سوق دهد

فرنگ، به ویژه پادشاه اسپانیا پی برد. از جمله
این عناوین عبارتند از:

- ضامن شدن پادری جوان در باب چهار نفر پرتگال
- عرض داشت پادری جوان به نواب کامیاب اشرف در باب جواب پادشاه اسپانیا به مدعیات بیک زاده
- عرض داشت پادری جوان به نواب اشرف در باب آمدن قاصد دان لبرتو شیرلی از اسپانیا (صص ۴۷ - ۱۴۵)

پادری جوان در دربار ایران نقش مترجم را
نیز ایفا می‌نمود. از فحوی یکی از نامه‌ها
برمی‌آید که گروهی در حدود سال ۱۶۱۸ در دربار با پادری جوان و
پادشاه اسپانیا رقابت می‌کرده‌اند. پادری در بخشی از نامه خویش به
این موضوع اشاره کرده است: «اگر نواب اشرف میل دارد که حرف
راست بشنود بنده را طلب نمایند تا آن چه راستی‌ها است به عرض
رساند. و اگر میل دروغ دارد، جماعت دیگر هستند و باز مکاتبات
بیک زاده را سوای بنده احدی دیگر نمی‌تواند سر بیرون آورد.» (ص
۱۴۹)

شرلی نیز در نامه خود به شاه عباس به این موضوع اشاره نموده
و می‌گوید:

«از این سبب احوالات خود را به فارسی به خدمت نفرستادم، چرا
که راه‌ها ناامن است و مبادا مدعیات نواب به دست دشمنان افتد و
موجب ملال بوده باشد. به زبانی فرنگی مکتوب را نوشته که چون
عمده‌المسیحیه پادری جوان در خدمت اشرف نهایت اعتماد دارد، او
را فارسی نموده به عرض اشرف برساند. التماس چنان است که چون
مکتوب برسد و پادری جوان حاضر نباشد، امر نمایند که حاضر شده
مدعیات را به عرض رسانند؛ چرا که هم کلی است و در این باب مجال

سفارت اروپایی‌ها به ایران زمانی رونق بیشتری یافته است که شاه عباس با ابتکار عمل و تحرکات نظامی به موقع، تبریز را از اشغال عثمانی‌ها خارج ساخته و شهرت نظامی او عالم‌گیر شده است

باب فروش و صدور ابریشم با اسپانیا صحبت می‌کند. در ذیل به نکاتی در این باره اشاره می‌شود. زمانی که حاکم ناپلی و شرلی در نامه‌های خود از پادشاه ایران می‌خواهند که تجار ایران برای صدور ابریشم و خرید کالا‌های دیگر به حلب نروند و از طریق این بندر دادوستد نکنند، موارد زیر مقرر می‌گردد:

«اولاً در باب ابریشم چنین مقرر شد که سودای ابریشم در هرمز بشود. چرا که مردم فرنگ هر ساله زر بسیار و یراق‌های کلی از آلت حرب به الکای روم می‌برند و سودا می‌نمایند و حال آن‌که معامله ایشان بر طرف می‌شود، هر دو جانبه دشمن زیاده می‌شود و پادشاه اسپانیا حکمی به کپتان هرمز فرستاده که از مردم عجم که رعیت بندگان نواب اند ابریشم به هرمز آورند عزت و حرمت بدارد و خرجی که واقع شود زیاده نگیرند و قرار یافت که سودای ابریشم در هرمز شود.» (ص ۵۶)

شاه عباس تحقق درخواست فوق را به شرایط تجاری در هرمز مشروط می‌کند و در جواب نامه می‌گوید: حکمران هرمز باید با بازرگانان رفتار نیک داشته باشد و خراج اضافی نگیرد تا سبب رنجش تجار نگردد. چون اگر تجار ببینند هزینه تجارت در هرمز کمتر است و سود بیشتری نصیب آن‌ها خواهد شد، کالا‌های خود را به هرمز خواهند آورد. (صص ۵۷، ۵۸، ۶۰)

بنابراین شاه عباس می‌دانست که برای شکست عثمانی، علاوه بر حملات نظامی لازم است توان اقتصادی این کشور نیز تضعیف گردد. او برای رسیدن به این هدف در صدد از رونق انداختن بنادر عثمانی بود و به سفیر انگلیس پیشنهاد کرد که حاضر است همه ساله در ماه ژانویه، ده هزار عدل ابریشم در جزیره هرمز به تجار انگلیس تحویل دهد و در مقابل ماهوت انگلیسی دریافت کند و به تاتارها، اعراب، ارامنه و مردم روسیه بفروشد. مشروط بر آن‌که بازرگانان انگلیس قول دهند با ترکان تجارت نکنند، زیرا سلطان عثمانی از عوارض تجارت خارجی سود فراوان می‌برد و تجارت با ترکان مثل آن است که انسان خار بسازد تا در چشم خود فروبرد یا شمشیر دشمن را برای بریدن سر خود تیز کند.^۳

از آن‌جا که تجار ایرانی بیشتر از طریق زمینی به تجارت می‌پرداختند و شاه عباس هم تجربه ناموفقی در تجارت از طریق دریای هند و جنوب آفریقا داشت، بنابراین ترجیح می‌داد که راه زمینی دیگری جایگزین مسیر زمینی عثمانی گردد. از این رو در نامه خود به ریم پایا، علاوه بر اظهار مودت و دوستی پیشنهاد می‌کند تجار به جای مسیر ترکیه از قلمروی روسیه رفت و آمد نمایند:

«چون تجار و سوداگر ایشان از راه اروس بدین ولایت تردد می‌توانند کرد، امر فرمایند که تجار و سوداگران فرنگیه از راه اروس

بدین ولایت آمد و شد نمایند که نفع و فایده ایشان را مردم ترک نبرند.» (ص ۷۸)

شاه عباس در نامه‌ای دیگر از پادشاه روس می‌خواهد تا مسیر تجاری روسیه را باز نگهدارد. (ص ۸۰) برای تحقق این پیشنهاد نیز در نامه‌ای به خان آستراخان دستور می‌دهد که مسیر تجاری شمال را برای تردد بازرگانان ایران و اروپا مساعد کند. شاه عباس برای سوق دادن ارامنه و تجار اروپایی به این مسیر تجاری به درخواست پادریان فرمانی صادر می‌کند تا در در بند کلیسا درست کنند. (ص ۹۱)

سیاست شاه عباس در رابطه با بعضی از دول اروپایی، سبب شده بود تا تجار ارمنی قلمرو عثمانی نیز برای پیشبرد اهداف تجاری شان خود را تبعه ایران معرفی کنند. بنابراین گراندوک فلورانس از پادشاه ایران می‌خواهد که من بعد تجار ارمنی ایران نشانی از نواب داشته باشند تا تجار عثمانی نتوانند سوءاستفاده نمایند. (ص ۱۶۴)

هم‌چنین گراندوک فلورانس اشاره کرده بود که آبادانی عثمانی ناشی از موقعیت قلمرو ایران است، زیرا تجار کالا را از هند به ایران و از ایران به هند منتقل می‌کنند و این امر سبب روی آوردن تجار اروپایی به عثمانی می‌گردد. بنابراین اگر پادشاه ایران اجازه ندهد که کالا از قلمرو عثمانی صادر شود، در این صورت تجار اروپایی با عثمانی دادوستد نخواهند داشت. (ص ۱۲۹)

با توجه به همین قضیه است که رابرت شرلی از شاه عباس می‌خواهد اتباع انگلیسی را از ایران بیرون نماید. چون به عقیده شرلی انگلیسی‌ها با عثمانی روابطی دوستانه داشتند و هرگز در پی مسدود کردن دریای سرخ بر نمی‌آمدند، در حالی که اسپانیا اغلب با عثمانی در حال جنگ بود. (ص ۱۵۵) پادشاه اسپانیا نیز در جواب درخواست‌های رابرت شرلی می‌نویسد:

«و سال گذشته لشکر این جانب کشتی بسیار از رومی از دریای سرخ گرفتند. و هم‌چنین مذکور شد که رضای نواب همایون در این است که از راه دریای سرخ کسی به الکه خواندگار نرود. ان شاء الله امداد نموده آن راه را مسدود نموده تا من بعد تردد نشود.» (ص ۱۸۲)

سیاست خارجی شاه عباس

یکی از عوامل موفقیت شاه عباس در برابر عثمانی، داشتن ابتکار عمل و اتخاذ سیاست‌های درست در جهت منافع کشور بود. یعنی شاه عباس ضمن آن‌که کوشش می‌کرد از دشمنی کشورهای اروپایی بر ضد عثمانی استفاده نماید، در صدد بود خود را درگیر تضاد بین کشورهای اروپایی ننماید. زمانی که دانکرسیاه، ایلچی اسپانیا در نامه خود از ورود انگلیسی‌ها به ایران شکوه می‌نماید و آنان را به راهزنی متهم می‌کند و استدلال می‌کند که این عمل شاه عباس

می تواند موجب رنجش پادشاه عثمانی شود، شاه عباس در پاسخ می گوید:

«بر ما ظاهر است که ایشان حرامیند، اما از جانب پادشاه خود بدین دیار آمده اند و مهمانند. معقول نیست که ایشان را از الکه خود اجراج نماییم. چرا که راه گشاد است و منع نمی توان کرد و در الکه پادشاه می باید که همه طایفه تردد نمایند.

و باز میانه ما و رومی همیشه نزاع است. هر گاه سوداگران رومی به دیار ما آیند، منع ایشان نمی توان نمود و بر ما ظاهر است که چند طایفه از غیر ملت در این الکه تردد دارند و این جانب راضیم که هر طایفه که باشد درین الکه تردد و آمد و شد نمایند.

اما پادشاه اسپانیه مدت مدید است که اقرار نموده که محاربه با روم نماید و از آن تاریخ تا حال اثر ظاهر نشد و از این واسطه چندان منت بر من ندارد که انگلیس را از الکه خود بیرون کنم و باز انگلیس از الکه و دیار او می گذرند و به الکه ما می آیند می باید که خود دفع آن جماعت بکنند تا به الکه ما تردد نمایند». (ص ۱۸۷)

گزارش کتاب درباره نشست شاه عباس با پادریان و گروهی انگلیسی دارای اهمیت زیادی است. بر طبق گزارش این نشست، شاه عباس به جنگ با عثمانی علاقه ندارد و با ذکاوت می کوشد گفت و گو را از مسایل سیاسی به مسایل دینی سوق دهد. هم چنین کوشش می کند که با درگیر کردن انگلیسی ها با پادریان کرملی، موضوع بحث را از قلمرو سیاسی به حوزه مذهب بکشاند. هر چند پادریان در گزارش خود در پی اثبات درستی گفتار و صحت مطالب خویش بوده اند، اما برداشت خواننده از پیام متن با هدف آن ها متفاوت است. (صص ۲۱۵ - ۱۹۹)

ناخرسندی شاه عباس از موضع گیری دول اروپایی در مقابل عثمانی، به ویژه صلح پادشاه مجار

شاه عباس از عدم محاربه دول اروپایی با امپراتوری عثمانی ناراضی بود و همواره از آن ها شکوه داشت. او در نامه هفدهم می گوید «در این مدت اصلاً از جانب حضرات پادشاهان فرنگیه حرکتی نشد و در محاربه جماعت ترک مساهله تمام نمودند. وظیفه محبت آن است که به دستور سابق شیوه مرضیه اتحاد و دوستی مرعی دانسته چنان فرمایند که همواره بین الجانبین طریق آمد و شد مرعی و مسلوک بوده باشد و حضرات سلاطین فرنگیه را ترغیب نمایند که بر خلاف گذشته در محاربه جماعت ترک مساهله نمایند» (ص ۵۰)

ارسال خلیفه برای ارامنه اوچ کلیسای ایروان

چنان که در یکی از نامه های شاه عباس در این مورد آمده است:

«اگر احياناً حضرت ریم پاپا اراده می نماید که در آن کلیسا خلیفه روانه کند یا رهبان و پادریان و هر کسی صلاح باشد، برای نشستن کلیسا و خدمت نمودن و جمعی دیگر به واسطه زیارت مقرر می فرماییم که احدی مزاحمت به حال ایشان نرسانند.» (ص ۷۵)

ساختن کلیسا در دربند

یکی از مسیرهای پیشنهادی شاه عباس برای تجارت با فرنگ راه شمال بود. برای تحقق این آرزو، پادشاه ایران بنا به درخواست پادریان فرمانی جهت ساختن کلیسا در دربند صادر کرد (ص ۹۲) تا در مسیر تجاری شمال مورد استفاده تجار مسیحی قرار گیرد. به ویژه این که تجارت خارجی ایران در دست ارامنه بود و این تجارت نیز از مسیر زمینی به فعالیت مشغول بودند. این کلیسا می توانست به عنوان محلی برای استراحت و اعمال مذهبی تجار مورد استفاده قرار گیرد. پادشاه اسپانیا نیز در مکتوبی به این موضوع اشاره داشته است: «می باید که تجار و مترددین به هر طور آمد و شد نموده که از هیچ آفریده آزار به ایشان نخواهد رسید. می باید که از روی فراغ مال و مرفه الحال در آن منزل نزول و اقدام نموده، به مذهب و کلیسا و دین خود عمل نمایند که احدی از غیر ذلک متعرض و مزاحم ایشان نمی شود.» (ص ۹۵)

علاوه بر مسائل فوق، این کتاب درباره موضوعات زیر نیز اطلاعات سودمندی به دست می دهد:

دفاع از حقوق شخصی مسیحیان فرنگی، صلح بین خان نواب (اما قلی خان) و کپتان هرمز، بر خورد ارامنه ایران با ارامنه فرنگی، مسیحی شدن چند نفر از مسلمانان و برخورد شاه عباس با آن ها.

کتاب اسناد پادریان کرملی برای پژوهشگران مناسبات خارجی صفویه، به ویژه روابط تجاری عصر شاه عباس منبعی با ارزش محسوب می شود. بنابراین شایسته است از آقای دکتر منوچهر ستوده به خاطر تصحیح و فراهم کردن این مجموعه اسناد با ارزش قدردانی شود.

پی نوشت ها:

- ۱- احمد یاقی، اسماعیل، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، صص ۳۰ و ۳۳.
- ۲- مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات زرین، ۱۳۶۷، صص ۲۷۳.
- ۳- فلسفی، نصرالله، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران: سازمان کتاب های جیبی، ۱۳۴۲، صص ۲۳.